

متن پرسش

عرض سلام خدمت استاد عزیزم ، مدت هاست که سوالی فکرم را مشغول کرده ، با وجود مطالعات فراوان و پرسش از اساتید باز هم به یقین نرسیده ام. می ترسم دلم مریض شده باشد ... خواهشمندم جواب مرا مفصل پاسخ دهید : استاد بزرگوام ، من وقتی خطاهای پیامبران را مطالعه می کنم با وجودی که می دانم خطا نیست و ترک اولی است ، باز هم نسبت به معصوم بودن آنها تردید پیدا می کنم گویا انتظارم نسبت به رفتار یک فرد معصوم برآورده نمی شود.... علاوه بر این وقتی زندگینامه ی حضرات معصوم را مطالعه می کنم نسبت به داشتن علم غیب آنها تردید پیدا می کنم، و همیشه برایم این سوال مطرح بوده که اگر ایشان اول صادر از مصدر وجود هستند(مانند اول شعاع خورشید) و همانطور که در ادعیه می خوانیم که فرقی بین آنها و خداوند نیست جز آنکه آنها ممکن هستند و خداوند واجب ، پس چطور می شود که گاهی نیاز به دانستن دارند؟؟ و اگر در جواب من خواهید گفت که از علم (ستون نوری) بهره مند هستند که گاهی از آن استفاده می کنند ، باید بپرسم که اگر علم به عنوان یک حقیقت بسیط در وجود آدمی است ، مگر می شود گاهی علم داشت و گاهی به صورت ارادی علم نداشت؟؟ مثلا در روایتی از امام معصوم داریم که به دنبال کنیز خود می گشتند و چون نیافتند فرمودند: " تعجب می کنم از مردمی که ما را صاحب علم غیب می دانند در حالی که من از یافتن کنیز خود درمانده ام" که اگر منظور ایشان وجه الخلقی خود بوده ، چرا اصلا اینطور بیان کرده اند؟؟ یا مثلا وقتی حضرت زهرا پرده زینتی آویخته بودند و پیامبر از این امر ناراحت شدند، آیا حضرت زهرا که ام وجود هستند نباید خودشان از ابتدا اینطور عمل نمی کردند؟؟ استاد بزرگوام ، از این مثال ها در ذهن زیاد پیدا می شود ، آیا دل من مرض دارد؟ گاهی تصور می کنم که ائمه بشر فوق العاده بوده اند و نه فوق بشر، چه کنم به یقین برسم ؟ من کتاب های فلسفی شما را در مورد معرفت نفس و حقیقت نوری ائمه خوانده ام ، آیا حضرات هم مباحث حرکت حبی ، حرکت جوهری و وحدت وجود را تایید کرده اند ؟ یا اینکه این مباحث را صرفا دانشمندان اسلامی طرح کرده اند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- در مورد سؤالاتی که نسبت به علم ائمه «علیهم السلام» دارید سعی بفرمایید بین علم حضوری و علم حصولی و اقتضائات هرکدام مطالعاتی انجام دهید و از طرفی پیشنهاد می کنم کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» را که همین روزها از چاپ خارج می شود بررسی بفرمایید تا بین حالت حضوری ائمه و نسبت آنها با غیب در حقیقت نوری خودشان و با نفس ناطقه

و جنبه‌هایی که باید در امور شخصی به آن پردازند تفکیک بفرمایید. و این که از این جهت یک بشر فوق‌العاده‌ای بوده‌اند را غیر از آن جنبه‌ای بدانید که فوق بشرند و هنوز آدم خلق نشده که حقیقت نوری آن‌ها در عالم بوده. در همین مورد آن پرده‌ی زینتی را ارزیابی کنید که زهرای مرضیه «سلام‌الله‌علیها» در شرایط بشری خود به چنین کاری اقدام فرموده‌اند و رسول خدا «صلوة‌الله‌علیه‌وآله» تشخیص می‌دهند ممکن است این اقدام مانع تجلی حقیقت نوری آن ذوات مقدسه بر جانشان شود ۲- با تدبّر در عالم متوجه حرکت حیّی و حرکت جوهری و وحدت وجود می‌شویم، در یک بحث علمی باید به دلایل آن موضوع رجوع کرد. موفق باشید